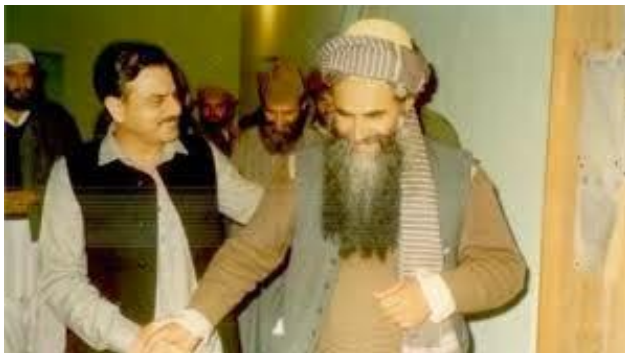


این مقاله واقعیت‌ها را بیان و شخصیت‌ها را نمایان می‌سازد .

بین جهاد و جاسوسی مرزی نیست



استاد سیاف با جنرال حمید گل در دارلانصار... دندان‌های جهاد ریخته است و دیگر قادر نیست کسی را و حتی لقمه‌های غنیمت را گاز بزند!

برای ملت، از دست متولیان دین هیچ چیزی نمانده است که باز هم سر درگریبان محافظه‌کاری فرو کنیم. این‌ها زمانی می‌گفتند اسلام هرگز مرز ندارد. نمی‌گویند در چی‌اموری مرز ندارد. عین شعار را داعش سر می‌دهد و قرینه همین احکام از زبان طالب شنیده می‌شود.

حالا در برابر اسلام عرب، داعش و طالب مرز می‌کشند و می‌گویند که مال آنان اسلام نیست. از متاع حلال خود فقط می‌گویند که اسلام ما «عزیز» است ولی مردم، فقط هیکل سراسر حرام آن عزیز را مشاهده کردند. صدای گلبیدین (درمخابره) را که با هر ضربه راکت بر زنده‌گی مردم مسلمان، «الله اکبر» میگفت و آه می‌کشید؛ بسیاری‌ها به یاد دارند. مردم به یاد دارند که جهادی‌ها در جنگ‌های کابل، چشمان زخمی‌های جهادگران دیگر تنظیم‌ها را با نوک برچه از کاسه در می‌آوردند.

قتل عام کابل از خاطره هیچ‌کسی رفته نشده است. در طول تاریخ افغانستان تا به این اندازه، بالای زنان، کودکان دختر و پسر و حتی زنان باردار تجاوز حشری نشده است که از دست اهالی جهاد یا تحت‌الحمایه‌های شان شده است. قیادی‌ها یک بار به خیابان‌های کابل پیاده‌گردش کنند که لشکرهای ژولیده مو و جنده لباس و خلاق گرسنه و درهم شکسته، از کودک وزن و پیره مرد‌ها بازمانده‌های چه کسانی هستند؟ آیا برچشم‌های ما پرده افتاده است یا قلوب قیادی‌ها مُمهر شده است؟

استاد سیاف این بار شمشیر تکفیر، دو باره تیز کرد و گفت هرکسی مجاهد و غیرمجاهد را مساوی بداند؛ از دایره اسلام خارج است. وی شمشیر کهنه را علیه دکتر عبدالله به شکل دیگری چرخانید: اگر جهاد معیار نیست؛ جاسوسی و وطن‌فروشی معیار است؟! می‌گویند، تعهد معیار است، مگر کسی که برای آزادی تو درس و تعلیم را ایلا کرد و جهاد کرد، متعهد نیست؟!!

استاد سیاف نگفت که کدام آزادی؟ این کشوری که با مدیریت پاکستان و امریکا وانگلیس توتنه توتنه شد، غیر از آن که به بهشت تکفیری‌ها تبدیل شده چه دست آوردی دارد؟ اگر آزادی در دزدی و غارت و بی‌پرسی، تجاوز به محرم و نامحرم و... است؛ حقا که آزادترین مردمان جهان هستیم. اما اگر آزادی از حیث اقتدار، انسانیت، رحم و عدالت و ارزش‌های جاودانه هستی و روح انسان تعریف شود؛ بگو آقای سیاف که افغانستان از چه نگاه «آزادی» دارد؟

استاد سیاف، 14 سال زیرسقف پارلمان، با انواع جواسیس شانه‌به‌شانه نشست و راز گفت و حتی دستان ظاهرخان را به چشم کشید؛ بر خلوت وزیران جاسوس نشست و از یک کاسه لقمه برگرفت. او بهتر از هرکسی، از مزیت آزادی در انارشیزم فیض برده است.

سیاف افزود که داعش کدام معجزه نیست، دکترش یک دکتر است؛ اما نسخه را تغییر می دهد، گاهی می نویسد، طالب و گاهی هم می نویسد، داعش... وی نگفت که پروژه جهاد هم معجزه نبود. وی نگفت که زمانی هم دکتر پشت پرده نوشته بود: **مجاهدین سربکف!**

همان منابعی که داعش و طالب را طراحی کردند، گروه های مجاهدین را نیز در پاکستان طراحی کردند.

استاد سیاف؛ مسأله صلح و جنگ و مسأله تغییر در روابط با کشور های همسایه را بدون مشوره با ملت حرام خواند. ایشان فراموش کرده است که این گونه سخن وری ها زمانی در کمپ «ببو» یا «شمشتو» چلش داشت و سپس با فتح کابل همه چیز با جهنم کامل برای مردم ضرب خورد. اگر بیانیه های ملا عمر در زیر ریش شما نوشته میشود؛ حتماً در آن شریک هستید که تا حال خموشی پیشه کرده اید. پاکستان، کشوری که دیروز جهاد را مدیریت میکرد، امروز طالب و ملا عمر را مدیریت میکند. فردا ممکن اوضاعی پیش آید که باز هم خیمه بی تیرک جهادی ها را به بهانه دیگری برافرازد. استاد سیاف جرئت رهبری دسته جات بی سرنوشت مجاهدین را ندارد. او هشیار تر از دیگران است. وی همیشه نیاز دارد در پناه یک قدرتمندی دیگر، با صدای بلند صحبت کند. اما چنین آدمی قدرتمند دیگر وجود ندارد. استاد سیاف اگر چه هنوز ریزرف عرب و امریکا به شمار میرود؛ دم حاضر به عنوان یک گزینه شریک در قدرت مطرح نیست. اصغراشراق نوشت:

از آدرس پارلمان نان می خورند و مرگ بر دموکراسی می گویند و در زیر سقفی که کمونیزم ساخته، مرگ بر کمونیزم می گویند! نمی دانم چشم بینا و گوش شنوای سیاسیون مدعی جهاد افغانستان چگونه است که در چهار طرف خود هیچ چیزی را نمی بینند و هیچ چیزی را هم نمی شنوند!